



Impact of Intoxication on Criminal Liability in Criminal Law of Iran, Scotland and Islamic Jurisprudence

Morteza Fathi¹

Adel Sarikhani²

Reza Rezaie³

Received: 13/06/2020; Accepted: 18/10/2020

Abstract

Explaining the role of intoxication in criminal liability requires knowing the impact of using intoxicants and finally the impact of intoxication on the perpetrator's will, as well as the way of thinking and insight governing the society towards the drunken persons. The drunkenness can lead to the loss or deterioration of will. The fundamental question that arises is what are the similarities and differences between the legal systems of Iran, Islamic jurisprudence and Scotland in this regard? In the present study through a descriptive-analytic method, the most important results are as follows: in each of the mentioned legal systems depriving the will resulting from drunkenness, except if there is a will prior to deprivation of the will to commit a crime (voluntary drunkenness), precludes the criminal liability. The difference is that voluntary drunkenness does not absolve the drunken criminal liability in Scottish criminal law at all because of the element of guilt. This approach is consistent with the well-known position of Islamic jurists regarding drunken murder. In Iranian criminal law, voluntary drunkenness is not recognized as precluding criminal liability if drunkenness is committed with the intent to commit a crime. Albeit, in Iran, drunkenness does not eliminate criminal responsibility for premeditated murder. In addition, identifying the person responsible for proving drunkenness is another difference in these legal systems. The study of Iran's and Scotland's criminal policy on drunkenness implies adopting a rigorous approach (especially in Scotland's criminal law) as to the criminal liability of those who are committing a crime in drunkenness.

Keywords: Voluntary Intoxication, Involuntary Intoxication, Drunk to Blame, Scotland, Iran.

1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom (Corresponding Author); Email: m99fathi@yahoo.com
2. Full Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Qom.
3. Assistant Professor, Department of Law, Rouzbahan Higher Education Institute, Sari.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

تأثیر مستی بر مسئولیت کیفری در حقوق کیفری ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی

تاریخ دریافت ۹۹/۰۳/۲۴ - تاریخ پذیرش ۹۹/۰۷/۲۷

مرتضی فتحی^۱

عادل ساریخانی^۲

رضارضائی^۳

چکیده

تبیین نقش مستی در مسئولیت کیفری مستلزم آگاهی از چگونگی تأثیرگذاری مصرف مسکرات و در نهایت تأثیر مستی در اراده مجرم و همین‌طور نوع تفکر و بینش حاکم بر جامعه نسبت به افراد مست است. مستی می‌تواند موجب سلب یا تزلزل اراده و قوه تمیز گردد. سوالی بنیادین که مطرح است عبارت است از این‌که چه تشابه و تفاوت‌هایی بین نظام‌های حقوقی ایران، فقه و اسکاتلند در این خصوص وجود دارد؟ در پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی اهم نتایج به دست آمده این است که در هر یک از نظام‌های حقوقی یادشده سلب اراده ناشی از مستی جز در صورت وجود اراده سابق بر سلب اراده جهت ارتکاب جرم (مستی ارادی)، موجب انتفای مسئولیت کیفری می‌شود؛ با این تفاوت که مستی ارادی به‌طور مطلق به دلیل وجود عنصر تقصیر، موجب رفع مسئولیت کیفری از شخص مست در حقوق کیفری اسکاتلند نمی‌گردد که این رویکرد با موضع مشهور فقها در خصوص قتل در حال مستی هم‌خوانی دارد. در حقوق کیفری ایران مستی ارادی در صورتی رافع مسئولیت کیفری شناخته نمی‌شود که مستی با قصد ارتکاب جرم صورت گیرد. البته در ایران مستی موجب انتفای مسئولیت کیفری در قتل عمدی نمی‌گردد. علاوه بر این، شناسایی مسئول اثبات مستی تفاوت دیگری است که در این نظام‌های حقوقی وجود دارد. مطالعه سیاست جنایی کشورهای ایران، اسکاتلند و فقه اسلامی مبین اتخاذ رویکرد سختگیرانه (به ویژه در حقوق کیفری اسکاتلند) در خصوص مسئولیت کیفری افرادی است که در حال مستی مرتکب جرم می‌شوند.

واژگان کلیدی: مستی ارادی، مستی غیرارادی، مست متعدی، اسکاتلند، ایران.

۱. استادیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم (نویسنده مسئول)؛ رایانامه:

m99fathi@yahoo.com

۲. استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه قم.

۳. استادیار گروه حقوق، مؤسسه آموزش عالی روزبهان ساری.





مقدمه

مسئولیت کیفری مرتکبین جرائم در کلیه نظام‌های حقوقی به موجب برخی علت‌ها زائل می‌شود؛ مستی در کنار صغر، جنون، اشتباه، اکراه و اجبار در زمره این علل قرار می‌گیرد. در ادبیات، از واژه مستی (با فتح میم) در مقابل هوشیاری استفاده می‌شود و در تعریف آن گویند: «حالتی غیر طبیعی است که در اثر نوشیدن نوشابه الکلی ایجاد می‌شود» (عمید، ۱۳۸۹: ۹۳۷). مستی معادل فارسی کلمه سکر در زبان عربی است، سکر نیز حالتی است که بین انسان و عقل او مانع ایجاد کند (معلوف، ۱۹۹۲: ۳۴۱) با لحاظ این موارد در خصوص معنای اصطلاحی مستی در فقه و حقوق ایران می‌توان گفت؛ مستی حالتی است که در اثر مصرف ماده مسکر، قوه تمیز یا اراده فرد به طور تام یا نسبی و برای مدت محدود زائل می‌شود. در نظام حقوق کیفری اسکاتلند، «مست» به شخصی اطلاق می‌شود که به آن میزان از اختلال اراده ناشی از مصرف مسکرات دچار گشته که توان مراقبت از خود را ندارد؛ لذا، بسیار آسیب‌پذیرند و میزان خطر ایراد آسیب به خود و دیگران در این افراد بسیار بالاست (Griesbach, 2009: 6). علت آن بالا رفتن الکل خون و مسمومیت ناشی از آن است. در حقوق کیفری اسکاتلند مسمومیت ناشی از نوشیدنی‌های الکلی^۴ با مسمومیت ناشی از مواد مخدر^۵ دارای دو عنوان مجزا هستند، مواد مخدر را نمی‌توان مشمول عنوان مسکر دانست؛ چراکه مواد مخدر در شخص مستعمل صرفاً ایجاد سرخوشی می‌کند؛ که آن حالتی مجزا از مستی است (Griesbach, 2009: 6).

در حقوق ایران ابتداءً مطابق قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴ در مورد مستی مطلبی دیده نمی‌شود، لذا اینگونه استنباط می‌گردد که محاکم در این شرایط به قواعد کلی حاکم بر لزوم عنصر روانی برای قائل شدن مسئولیت کیفری و عوامل رافع مسئولیت کیفری

1. Intoxication
2. Drunkness



همچون جنون، اجبار و اکراه استناد می‌کردند اما به موجب قانون مجازات عمومی ۱۳۵۲ این موضوع به صراحت مورد توجه قرار گرفت. به طوری که اگر شخص تحت تأثیر اجبار یا تهدید غیر قابل تحمل، مشروبات الکلی استعمال کند و در نتیجه کنترل اراده خود را به طور کامل یا ناقص از دست بدهد، چنانچه قوه اراده به طور کامل زائل شده باشد، مطابق قسمت (الف) ماده (۳۶) این قانون، مرتکب جرم در حال مستی از مسئولیت و مجازات معاف خواهد بود و اگر نقص در قوه اراده حاصل شده باشد، مطابق قسمت (ب) ماده (۳۸)، مسئولیت و مجازات مرتکب تخفیف پیدا می‌کند. ماده (۲۸) قانون راجع به مجازات اسلامی ۱۳۶۱ با نگاهی مضیق نسبت به قانون پیشین مقرر می‌دارد: «اگر ثابت شود استعمال مواد الکلی مسکر به منظور ارتکاب جرم بوده، مجرم به مجازات استعمال و همچنین جرمی که مرتکب شده محکوم خواهد شد» لذا این گونه استنباط می‌شود فرض اولیه مبنی بر عدم مسئولیت کیفری شخص مست بوده است. قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ حکم مستی را در ماده (۵۳) بدین نحو تصریح نموده: «اگر کسی بر اثر شرب خمر، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است، مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد» در حال حاضر ماده (۱۵۴) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در خصوص مستی و تأثیر آن بر مسئولیت کیفری لازم‌الاجراست. ماده فوق اشعار می‌دارد: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست، مگر این که ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود».

خاستگاه قوانین مصوب در بریتانیا در خصوص مستی را می‌توان به دوران جیمز اول و مجلس انگلستان در سال ۱۶۰۶ منتسب دانست. لایحه‌ای که در این سال به تصویب مجلس این کشور رسید، واجد مقرراتی در خصوص غیرقانونی اعلام کردن مستی بود که گناهی زشت و نفرت‌آلود در آن زمان قلمداد می‌شد (Drugs and Crime Prevention, 2000:).





۱۴). امروزه، با به رسمیت شناختن لزوم عنصر روانی^۶ به عنوان عنصری مهم در انتساب مسئولیت کیفری به فرد، مستی سبب سلب یا کاهش میزان مجازات می‌شود.^۷ برای مثال، تصمیمات مختلفی در اوایل قرن بیستم گرفته شد، مبنی بر این که حالت مستی ارادی^۸ می‌تواند قتل عمد^۹ را به قتل تقصیر آمیز^{۱۰} تقلیل دهد؛ به عبارت دیگر، دلیل مستی شدید هرچند به صورت ارادی صورت گرفته باشد، می‌تواند دقیقاً به شیوه‌ای که در پرونده «برنان» مورد بحث قرار گرفته است (Stark, 2009:11)، مسئولیت متهم را کاهش دهد.^{۱۱}

در حقوق موضوعه ایران مطابق ماده (۲۶۴) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به تبعیت از فقه اسلامی که مطابق آیات ۲۱۹ سوره بقره^{۱۲} و ۹۱ سوره مائده^{۱۳} بر گناه بزرگ بودن استعمال مسکرات تاکید شده، استعمال مسکرات مورد نهی قرار گرفته و جرم انگاری شده است. اما در اسکاتلند حالت مستی ناشی از مصرف مواد الکلی تنها در مواردی که تظاهرات مستانه در ملا عام و علنی باشد، جرم تلقی می‌شود. مبنای رفع مسئولیت از شخص مست در فقه اسلامی، حدیث رفع قلم می‌باشد. این حدیث بیان می‌کند: «رُفِعَ الْقَلَمُ عَنْ ثَلَاثَةٍ: عَنِ النَّائِمِ حَتَّى يَسْتَقِظَ وَ عَنِ الْمَجْنُونِ حَتَّى يُفِيقَ وَ عَنِ الْفَطْلِ حَتَّى يَحْتَلِمَ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۸۰). هرچند مستی به صراحت در حدیث ذکر نشده، ولی بر اساس مبنای رفع مسئولیت به خاطر جنون یعنی سلب قوه تمیز و اراده، با الحاق مستی به جنون

1. Mens rea

2. See: Stark, Findlay, Breaking down Brennan, Washington & Lee Law School, Juridical Review, United Kingdom, Number 3, 2009.

3. Voluntary intoxication

4. Murder

5. Culpable homicide

۶. برنان با ضربات مکرر چاقو پدر خود را به قتل رسانده بود. با توجه به اینکه او قبل از اعمال خشونت بین بیست تا

بیست و پنج پیمانه آجیو مصرف نموده بود و با لحاظ فقدان سوء نیت لازم برای قتل عمدی به دلیل مستی ارادی به

قتل تقصیر آمیز محکوم گردید. (Much of this section is based upon stark(n241) at 156-160)

۷. يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْغَفْوُ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ.

۸. إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ فَلَا هَلَكَ لَكُمْ مِنْهُنَّ.



این حدیث را می‌توان مبنای مستی نیز در رفع مسئولیت کیفری دانست. از آنجایی که جنون به دلیل اختلال در قوه تمیز و اراده افراد موجب سلب مسئولیت می‌گردد پس در مستی نیز اینگونه است.

این مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به این سوالات است که اولاً: ۱- رویکرد فقه اسلامی، حقوق ایران و اسکا تلند در خصوص تاثیر گونه‌های مختلف مستی بر مسئولیت کیفری چگونه می‌باشد؟ ثانیاً مستی چه تأثیری بر اراده و اختیار به عنوان شرط بنیادین مسئولیت کیفری بر جای می‌گذارد؟ ثالثاً مستی ارادی چه تفاوتی با مستی غیرارادی در رفع مسئولیت کیفری دارد؟ لذا، نوشته حاضر با ملاحظه آموزه های فقهی و حقوقی ایران و باتوجه به حقوق کیفری اسکا تلند به عنوان یک نمونه کامن لا در راستای بررسی ابعاد مختلف آن ابتداً به ضرورت وجود اراده در ارتکاب جرایم پرداخته و تأثیر مستی را در زوال یا مخدوش شدن آن مورد بحث قرار داده و سپس آثار مستی ارادی و غیرارادی بر مسئولیت کیفری در فقه اسلامی، حقوق کیفری ایران و اسکا تلند را تبیین ساخته و در پایان به نتیجه‌گیری مباحث مطروحه می‌پردازد.

۱. زوال اراده به موجب مستی

ارتکاب گناه، جریان تشکیل قصد در اعمال آدمی از چندین مرحله می‌گذرد. در ابتدا سایه قصد در نفس آدمی پدیدار می‌شود و پس از آن جریان قصد در آن نمایان می‌گردد، سپس، حالت توجه فکر به عمل و یا انصراف از آن رخ می‌دهد؛ در مرحله بعد، آدمی فعل یا ترک آن را ترجیح می‌دهد و در نهایت قصد را تکمیل می‌کند و آن را به حالت جزء مبدل می‌سازد؛ یعنی قصد را از قوه به فعل درمی‌آورد. در مکتب اسلام بنا به حدیث پیامبر (ص)^۴ تصمیم به کار نیک، نیک شمرده می‌شود ولی تصمیم به کار زشت، گناه به شمار

۱. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «عفی عن امتی ما حدیث به نفوسها و ان الهم بالحسنه یکتب حسنه والهم بالسیئه لا یکتب سیئه»؛ «امت من از حدیث نفس بخشوده هستند؛ تصمیم به کار نیک، نیک شمرده می‌شود ولی تصمیم به کار زشت، گناه به شمار نمی‌رود و موجب مؤاخذة و مسئولیت نخواهد شد».





نمی‌آید. اما در قلمرو حقوق کیفری، مرحله عزم، تصمیم‌گیری و انتخاب دارای اهمیت بوده و در صورت وجود سایر ارکان موجب مسئولیت می‌گردد.^{۱۵} در این راستا، از یک طرف می‌توان از منطوق و مفهوم مخالف ماده (۱۴۹) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ احراز کرد که ملاک مسئولیت کیفری «اراده» شناخته شده است. این ماده بیان می‌دارد: «هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد مجنون محسوب می‌شود و مسئولیت کیفری ندارد». اما با کمی تدقیق و تأمل می‌توان گفت این نتیجه که شخص فاقد اراده مسئولیت کیفری ندارد صحیح می‌باشد اما باید اینگونه استدلال نمود؛ وفق ماده (۱۴۰) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، اختیار از جمله شرایط مسئولیت کیفری است. اختیار متشکل از قدرت و اراده می‌باشد. مستی اراده را زایل می‌کند. شخص مست صرفاً قدرت دارد همچون آب و آتش که قدرت تخریبی داشته ولی بلحاظ فقد اراده توانایی توقف آن را ندارد و مضافاً عقل و آگاهی وی مختل شده و به مقتضای عقل رفتار نمی‌کند (ابوزهره، بی‌تا: ۴۴۳) و در نتیجه مسئولیت کیفری نیز ندارد و این بیان را آیه شریفه «... وَلَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ ...»^{۱۶} می‌توان مدلل نمود.

برای تحقق جرم، نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار به تنهایی کافی نیست. فعل مجرمانه باید نتیجه خواست و اراده فاعل باشد؛ به سخن دیگر، میان فعل مادی و حالات روانی فاعل باید نسبتی موجود باشد تا بتوان مرتکب را مقصر شناخت. ارتکاب جرم، تظاهر نیت سوء مجرم است، مشروط بر این که فاعل چنین فعلی را بخواهد یا دست کم وقوع آن را احتمال دهد و به نقض اوامر و نواهی قانون‌گذار آگاه باشد. در این صورت می‌گوییم فاعل یا در ارتکاب فعل عمد داشته و یا خطا کرده است (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۲۳۳). این موضوع در فقه اسلامی، حقوق کیفری ایران و هم در حقوق کیفری اسکاتلند مورد پذیرش قرار گرفته است. در اسکاتلند بی‌پروایی شدید در شرب مسکرات مانع از این می‌شود که



۱. و شاورَهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. س آل عمران، آیه ۱۵۹.

۲. س نساء، آیه ۴۳.



مسلوب‌الارادگی مجرم را عامل رافع مسؤولیت بشناسیم. قاضی امسلی^۱ در توجیه این تئوری بیان می‌دارد که هدف از این سیاست حقوق کیفری این است که منافع تمامی شهروندان جامعه حفظ و مهار گردد (Stark, 2009:2). در ایران نیز بخش اخیر ماده ۱۵۴ ق.م.ا با این عبارت: «... لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود». قصد در شرب مسکرات همراه با علم به ارتکاب جرم در زمان مستی را سبب محکومیت به جرم حدی شرب خمر و جرم ارتكابی در زمان مستی می‌داند. بنابراین، در کلیه مواردی که مستی می‌تواند زمینه‌ساز مجرم شناختن شخص مست گردد و به عنوان عامل رافع مسؤولیت کیفری نیز قلمداد نشود در زمانی است که وی در شرب مسکرات عمد داشته یا مقصر باشد. به عبارت آخری می‌توان گفت تقصیر یا عمد پیشین مانع تاثیر مستی از بابت رفع مسؤولیت کیفری می‌گردد که در فقه اسلامی از آن با قاعده عقلی الامتناع بالاخیار لاینافی الاختیار تعبیر می‌شود (مقدس اردبیلی، بی‌تا: ۲۲).

در حقوق کیفری اسکاتلند، شرط انتساب مسؤولیت کیفری به فرد، عمل ارادی شناخته شده است که به آن «voluntary act» می‌گویند؛ تحقق عمل ضرورت دارد؛ چراکه ارتکاب هر جرم مستلزم تحقق رکن مادی^۲ است و ارادی بودن عمل نیز ضروری است؛ چراکه ارتکاب هر جرم علاوه بر رکن مادی مستلزم رکن روانی است. استدلالی که جهت تأیید این تئوری ارائه شده این است که افراد جامعه به دلیل خطاهایشان مورد مؤاخذة قرار می‌گیرند. از طرف دیگر، اندیشه مجرمانه صرف جهت تحقق جرم کفایت نمی‌کند هرچند اخلاق جامعه آن را تقبیح و محکوم سازد؛ چراکه اخلاقیات و مسؤولیت کیفری دو حوزه مجزاً از هم هستند (Dunbar, 2012:22). بنابراین در تمام جرایم عمدی و غیرعمدی و حتی در جرایم مادی صرف، وجود اراده شرط لازم برای تحقق جرم است (استفانی و لواسور، ۱۳۷۷: ۲۷)، از این رو رفتار غیرارادی اصولاً از موضوع مطالعه حقوق کیفری بیرون خواهد بود.





در حقوق کیفری اسکاتلند، رکن روانی ر جرایم مختلف شامل این موارد می‌شود: ۱- قصد نتیجه که مشتمل بر قصد متهم مبنی بر پیش‌بینی تحقق یک نتیجه خاص می‌باشد؛ ۲- علم به واقعیت‌های موجود؛ ۳- علم به تحقق قریب‌الوقوع یا قطعی یک واقعه در آینده یا در زمان فعلی؛ ۴- علم به تحقق احتمالی (۵۰٪) یک واقعه در آینده یا در زمان حاضر که شامل بی‌پروایی ذهنی می‌شود؛ ۵- عدم صداقت؛ ۶- مسامحه^۹ در رفتار به گونه‌ای که مطابق با استانداردهای رفتاری یک شخص متعارف نباشد؛ ۷- بی‌پروایی عینی.^{۱۰} به عنوان مثال، مسئولیت کیفری فرد به اتهام قتل عمدی زمانی تحقق می‌یابد که علاوه بر ارتکاب قتل توسط وی، قصد کشتن یا قصد ایراد صدمه شدید جسمانی به وی را داشته باشد. اما در تحقق جرم ایراد ضرب و جرح، علاوه بر اعمال خشونت غیرقانونی بر دیگری، باید یا قصد اعمال خشونت وجود داشته باشد یا این که عمل وی همراه با بی‌پروایی عینی نسبت به مجنی‌علیه قلمداد شود. از طرف دیگر برای تحقق جرم سرقت، علاوه بر تصاحب اموال دیگری به عنوان رکن مادی، بایستی تقلب در رفتار همراه با قصد محروم کردن دائمی دیگری از اموال خود وجود داشته باشد. اثبات این ارکان در محکمه، برعهده دادستان قرار دارد (Intoxication and Criminal Liability, 2009:4-5)؛ چراکه اصل برائت است و اثبات موارد خلاف این اصل بر عهده مرجع تعقیب قرار دارد.

به طور کلی، اراده عبارت است از میل نفسانی فاعل به یک رفتار خاص. مطابق این تعریف، اراده یک حالت یا کیفیتی نفسانی است همچون حب و بغض و رضایت و خشم و حزن و سرور و مانند آن؛ با این امتیاز که همواره پس از مرحله «علم» و پیش از مرحله «فعل» قرار دارد. پس تا علم (به امری خاص) تحقق نیابد، اراده (به فعلی خاص) هم قابل تحقق نیست و آن گاه که اراده حاصل شد، لاجرم فعل در پی آن می‌آید، و الا چنانچه به رغم حدوث علم، فعل از فاعل صادر نشود، کیفیتی نفسانی به نام اراده حاصل نشده بلکه حداکثر با حالتی به نام شوق یا شوق مؤکد روبه‌رو هستیم (میرسعیدی، ۱۳۹۰: ۱۵۷). بنابراین، تا زمانی که علم به وجود ماده سکرآور وجود نداشته باشد، فرض تحقق اراده در



1. Negligence.
2. Objective Recklessness



مستی، باطل است. اما فقدان علم در مسکر بودن نوشیدنی هنگام شرب آن و فقدان اراده در ارتکاب افعال در طول دوره مستی لزوماً واجد رابطه تساوی نیستند؛ به عبارت دیگر، هرچند ممکن است فرد بدون علم بر ماهیت مایع درون لیوان، مقداری مسکر نوشیده باشد، اما این موضوع لزوماً به معنای ازاله قدرت بر آگاهی و ازاله اراده در رفتارهای شخص مست نیست.

آگاهی از لحاظ فلسفی و شناخت‌شناسی یک کیفیت نفسانی است که دارای درجات، سطوح و متعلقات طولی گوناگون است (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۲۳). شرب مسکرات می‌تواند با اختلال در روان فرد شارب، میزان آگاهی وی را نسبت به افعال خود و شرایط پیرامون، بنا به دلایل مختلف کاهش دهد و یا زائل سازد. میزان اختلالی که یک میزان از مسکر، در اراده و آگاهی ایجاد می‌کند، در افراد و شرایط مختلف متفاوت است. در واقع، تظاهرات مستی در هر مرحله به میزان مصرف الکل، طبع، آهنگ مصرف الکل و عادت انسان بستگی دارد (اردبیلی، ۱۳۹۲: ۱۶۷). چنانچه مصرف طولانی مسکرات موجب کاهش کارایی مسکر در مستی می‌گردد. تحقیقات نشان می‌دهد الکی‌های کهنه کار می‌توانند تحملی حداقل دو برابر افرادی کسب کنند که هر از گاهی الکل می‌نوشند (استریپ، ۱۳۸۹: ۷۸)؛ در حالی که همان میزان مصرف برای یک شخصی که برای اولین بار مبادرت به این کار می‌کند، می‌تواند منجر به بیهوشی و یا حتی مرگ شود. عواملی نیز ممکن است وجود داشته باشد که سیر تکامل مستی را شدت دهند (رشید یاسمی، ۱۳۵۴: ۱۷۱) مثلاً اشخاص مستی که از کاباره‌های گرم در هوای سرد بیرون می‌آیند در اثر برخورد با هوای سرد، مستی آنها تشدید می‌گردد.

در برخی موارد ممکن است فرد، مست باشد، ولی صاحب اراده و آگاهی شناخته شود؛ در این فرض، مرتکب نسبت به مطلوبیت و عدم مطلوبیت رفتار خود و همچنین پیامدهای آن آگاه است؛ به عبارت دیگر، مرتکب می‌داند آنچه را که انجام می‌دهد برای وی منفعت شخصی به وجود می‌آورد و یا رفتارش منجر به رنج و یا ناخوشی دیگران می‌شود، ولی با این وجود اراده می‌کند و آن را انجام می‌دهد؛ اراده، موجود ولی مخدوش است. اراده مخدوش رافع مسؤولیت کیفری شناخته نمی‌شود. البته در صورت قلب اراده مخدوش به





زوال، رفع مسئولیت کیفری، قطعی است. یکی از دانشمندان اسلامی مستی را دارای سه مرحله دانسته که نخست شادی و سرحالی و دیگر سستی در جسم که در این دو حالت وی دارای اختیار بوده هر چند مختل ولی در گام سوم وی فاقد قوه عقل، آگاهی و اراده است که منجر به عدم مسئولیت کیفری او می‌گردد (سیوطی، ۲۰۰۳: ۲۹۰ و اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۶۷).

از سوی دیگر، اراده با انگیزه که به آن «داعی» نیز گفته می‌شود متفاوت است. داعی را می‌توان قوه محرکه فرد به ارتکاب یک رفتار یا عدم انجام فعلی خاص دانست. این موضوع در حدفاصل علم و اراده قرار دارد؛ چراکه انسان بعد از علم نسبت به مصالح و مفاسد فعل یا ترک فعلی خاص، میل به مبادرت به فعل یا ترک فعل پیدا می‌کند (تحقق انگیزه) و سپس اراده انجام یا عدم انجام آن در نفس وی حادث می‌شود. لذا فردی که به منظور کسب تجرّی جهت قتل فردی دیگر مبادرت به شرب ماءالشعیر می‌کند، ولی به طور اتفاقی نوشیدنی مزبور مسکر بوده است و شرایط و اوضاع و احوال و میزان مسکرات نیز سبب می‌گردد اراده وی به کلی زایل شود، بدیهی است که هنگام تحقق رکن مادی، صاحب اراده شناخته نمی‌شود، هر چند واجد انگیزه بوده است.

ممکن است فردی نسبت به ماهیت و پیامدهای فعلی آگاه باشد و اراده انجام آن را بکند، اگرچه پیامدهای آن را نخواست باشد؛ در این صورت، از نگاه داوری عرف و عقل، نسبت به پیامدهای آن قصد کرده است و عمد دارد. شخصی که اراده کرده فقط خانه‌ای را آتش بزند و در همین حال آگاه است، افرادی در خانه سکونت دارند و بدون آن که قصد کشتن آنها را داشته باشد، بی تفاوت از کنار این آگاهی خود می‌گذرد و اقدام به آتش زدن خانه می‌کند و در نهایت منجر به مرگ افراد ساکن در خانه می‌شود، از دیدگاه عرف و عقل، قصد قتل آنها را داشته و عمل او، عمل همراه با سوءنیت محسوب می‌گردد. همین اندازه که شخص آگاه است که عمل او منجر به نقض قانون کیفری می‌شود، اگرچه در نیت خود آن را نخواست باشد، از نگاه داوری عرف و عقل به صورت عمدی مرتکب فعل شده است و خواست مستقیم نتیجه ضرورتی ندارد. لذا، فعل فردی که نسبت به ارتکاب جنایت با سلاح گرم موجود در اتاق در صورت شرب مسکرات آگاهی دارد، و با این





وجود، مبادرت به شرب می‌کند و مست گردیده، مرتکب جنایت می‌شود، قتل عمدی محسوب می‌شود؛ هرچند مقتول، یکی از دوستان او بوده، قتل را مستقیماً مدّ نظر قرار نداده باشد. بخش پایانی ماده (۳۰۷) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بیان می‌کند: «... لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را برای چنین عملی مست کرده و یا علم داشته است که مستی و عدم تعادل روانی وی ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنایت یا نظیر آن از جانب او می‌شود، جنایت، عمدی محسوب می‌گردد». در واقع، آگاهی و اراده پیشین قاتل قبل از سرکرد، بر رفتار وی در آن زمان حمل شده، مسئولیت کیفری مسجل می‌گردد. مثال مذکور، مصداقی از استثنائات لزوم تقارن زمانی رکن مادی با رکن روانی محسوب می‌شود.

۲. مستی غیرارادی^۱

مستی می‌تواند به دو صورت ارادی و غیرارادی واقع شود؛ از آنجایی که در حقوق کیفری اسکاتلند - که تابع نظام حقوقی کامن‌لا است - قانون موضوعه‌ای در خصوص شرح و بسط استناد به مستی جهت رفع مسئولیت کیفری وجود ندارد، استناد به رویه قضایی دادگاه‌ها که منبع اصلی حقوق اسکاتلند را تشکیل می‌دهد (Audit Scotland, 2011:16)، مطمح نظر و بحث قرار می‌گیرد. در این نظام حقوقی منظور از مستی غیرارادی این است که شخص در سلب یا تزلزل اراده خود نقشی نداشته باشد که در نظام حقوقی ایران نیز به همین نحو می‌باشد؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت مستی فرد در اثر عواملی چون اجبار، اکراه، اضطراب و جهل متهم به ماهیت مواد مورد استفاده همراه با جهل وی نسبت به امکان اسکار (مست کنندگی) باشد.

طبق یک قاعده کلی، اختلال تام قوه اراده مسئولیت جزایی را از بین می‌برد؛ لذا اگر شخصی بدون اختیار و بر اثر اشتباه مشروبات الکلی مصرف کند، یا مواد مخدر استعمال نماید در این حال مرتکب جرم شود، مسئولیت جزایی نخواهد داشت. این نظر که با منطق کلی عدم مسئولیت حاصل از اختلال تام قوه اراده هماهنگی دارد، در نظام‌های حقوقی





کشورهای مختلف پیش‌بینی شده است. ولی امروز تئوری‌های جدید و یا در حال تکوینی ارائه شده که با تشکیل انجمن‌ها و گروه‌های فشار متشکل از قربانیان جرایم ناشی از مستی هم بر قانون‌گذاری و هم بر رویه قضایی کشورها تأثیر بسزایی گذاشته و یک سیستم جزایی شدیدتری را نسبت به این دسته از مجرمین به وجود آورده است. یکی از این تئوری‌ها بر این اساس است که کسی که در اثر تقصیر، خود را مست نموده، باید با او مثل افرادی که از لحاظ روانی سالم هستند رفتار شود. اما بهترین استدلالی که در این مورد ارائه شده، توسل به تئوری جرم با سوء نیت احتمالی^{۲۲} است. این دانشمندان چنین استدلال می‌نمایند فردی که با تقصیر پیشین خود را مست می‌کند باید جرایمی را که ممکن است از عمل او حاصل شود پیش‌بینی نماید و احتمال بدهد، بنابراین باید فرض کرد که این جرایم را با سوء نیت احتمالی یا خطای بزرگ مرتکب شده است ولو آن که واقعاً ارتکاب آنها را نخواست باشد. از سوی دیگر، اگر شخصی که مشروب مصرف می‌کند، خطرات احتمالی رفتار خود را به طور متعارف پیش‌بینی نکند در اینجا به ناچار باید او را تبرئه نمود. این استدلال در کشورهای مشترک المنافع نیز پذیرفته شده است.^{۲۳} از دیگر سو البته باید توجه داشت که مسئولیت ناشی از سوء نیت احتمالی هرگز به درجه سوء نیت عمد نمی‌رسد و در حد فاصل بین عمد و غیرعمد قرار دارد (افراسیابی، ۱۳۷۷: ۱۳۳). این استدلالات در رویه قضایی اسکاتلند تأثیر بسزایی داشته است.^{۲۴}

قوانین کیفری پس از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ در ایران با اثر پذیری از منابع فقهی و با توجه به حرمت شرب خمر و قلمداد شدن آن به عنوان یکی از بزرگ‌ترین جرایم، واجد مقررات سختگیرانه‌ای در خصوص رفع مسئولیت از شارب خمر است. ماده (۲۲۴) قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ بیان می‌دارد: «قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر

۱. قصد احتمالی گونه‌ای از قصد جنایی است و در صورت پذیرش ارزش قانونی آن از جهت اهمیت با قصد مستقیم برابری می‌کند (نجیب حسنی، ۱۹۷، ۱۳۹۳).

2. R v Kamipeli [1975] 2 NZLR 610; R v O'Connor (1980) 146 CLR 64; S v Chretien 1981 (1) SA 1097; R v Daviault [1994] 3 SCR 63.

3. See: Stark, Findlay, Breaking down Brennan, Washington & Lee Law School, Juridical Review, United Kingdom, Number 3, 2009



این که ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب‌الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد...» و ماده (۵۳) همین قانون می‌گوید: «اگر کسی بر اثر شرب خمر مسلوب‌الاراده شده، لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است، مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد». لذا در اصل، مستی به عنوان عامل رافع مسئولیت کیفری شناخته نمی‌شود جز این که مستی موجب سلب اراده وی شده و خود را به منظور ارتکاب جرم مست نکرده باشد. بنابراین، صرف اثبات مستی نمی‌تواند متهم را از مجازات برهاند، بلکه وی باید سلب اراده خود را نیز به سبب مستی اثبات کند. به عبارت دیگر، مستی فی‌نفسه موجب رفع مسئولیت کیفری و رهایی از مجازات نمی‌شود، بلکه این انتفای وجود اراده متهم به هنگام جرم است که موجب برائت کیفری می‌گردد. لازم به ذکر است، حتی در فرض سلب اراده، مستی موجب معافیت از تعزیر و پرداخت دیه نیست. قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در ماده (۱۵۴) در این خصوص مقرر می‌دارد: «مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف اختیاری مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان و نظایر آنها، مانع مجازات نیست مگر اینکه ثابت شود مرتکب حین ارتکاب جرم به طور کلی مسلوب‌الاختیار بوده است. لکن چنانچه ثابت شود مصرف این مواد به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم موردنظر واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم می‌شود». برخی بر این ماده ایرادی را وارد نموده‌اند بدین ترتیب که «به کار بردن واژه «بی‌ارادگی» در اینجا صحیح نیست؛ زیرا اگر شخص، بی‌اراده گردد عنصر روانی جرم محقق نبوده و رفتار ناشی از بی‌ارادگی قابل انتساب به وی نخواهد بود و مسئولیت کیفری محقق نبوده و شخص قابل مجازات نیست» (شمس ناتری و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۹۲). اما تعمیق در مسأله، رد ایراد مذکور را نتیجه می‌دهد؛ این کاملاً بدیهی است که هر شخص مسلوب‌الاراده، فردی است که به طور کلی مسلوب‌الاختیار است؛ مطابق با ماده (۱۵۴) شخصی که مستی موجب مسلوب‌الاختیار شدن وی شده، مسئولیت کیفری ندارد؛ حال این سوال مطرح می‌گردد که پس شخص مسلوب‌الاراده (یا بی‌اراده مطابق با صدر ماده) چگونه می‌تواند مسئولیت کیفری داشته باشد؟ پاسخ این است که در جایی که شخص





عالم‌آعامداً از طریق مستی و با انگیزه ارتکاب جرم خود را کاملاً مسلوب‌الاراده و مسلوب‌الاختیار می‌کند، باید بگوییم مصلحت است و مطابق با قاعده الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار واجد مسؤولیت کیفری است و مشمول صدر ماده (۱۵۴) می‌گردد. در خصوص رابطه مسلوب‌الارادگی ناشی از مستی و مسلوب‌الاختیاری ناشی از مستی می‌توان گفت عموم خصوص مطلق بین این دو حاکم است به گونه‌ای که هر مسلوب‌الاراده‌ای مسلوب‌الاختیار است ولی هر مسلوب‌الاختیاری مسلوب‌الاراده نیست چون همانطور که پیشتر گفته شد اراده دلالت بر قصد دارد و اختیار نیز دلالت بر رضایت دارد.

از طرف دیگر، در این ماده به درستی از واژه «مسلوب‌الاختیار» به جای «مسلوب‌الاراده» استفاده شده است؛ همین‌طور در ماده (۲۲۴) ق.م.ا.م. مصوب ۱۳۷۰ نیز از عبارت «مسلوب‌الاختیار» استفاده شده بود که به موازین حقوقی نزدیک‌تر است؛ زیرا عمل غیرارادی موضوع حقوق جزا قرار نمی‌گیرد (گلدوزیان، ۱۳۹۳: ۷۹). همچنین، قانون جدید به درستی نقیصه اختصاص ماده (۵۳) ق.م.ا.م. سابق به شرب خمر را برطرف نموده و در ماده (۱۵۴) دامنه موضوع را به مسکرات، مواد مخدر، روان‌گردان و نظایر آنها گسترش داده است؛ در حالی که قانون‌گذار سابق برای مواد مخدر قدرت سلب اختیار قائل نبوده (نوربها، ۱۳۸۳: ۳۸)، با این وجود برخی معتقدند در قانون سابق نیز ذکر شرب خمر از باب تمثیل بوده است (زراعت، ۱۳۸۸: ۴۲۸). همان‌گونه که مطرح گردید قانون‌گذار ایران با گسترش دایره شمول مسئولیت شخص مست بر اساس قسمت انتهایی ماده (۱۵۴) ق.م.ا.م. مصوب ۱۳۹۲ تا اندازه‌ای در صدد نگاهی ویژه نسبت به مستی ارادی است ولی با این وجود موضع حقوق اسکا تلند موسع تر می‌باشد زیرا علاوه بر مواردی که شخص علم به تحقق جرم در اثر مستی دارد بلکه حتی اگر احتمال دهد در اثر مستی مرتکب جرم خواهد شد، نیز مسئولیت کیفری خواهد داشت.

سوالی که در اینجا مطرح می‌گردد این است که اگر فردی دیگری را به شرب خمر اکراه کند و مکره هنگام مستی مرتکب جرمی گردد، مسئولیت کیفری بر عهده کیست؟ در این مورد، هرچند مرتکب جرم واجد اراده در شرب مسکر و مستی بوده است، ولی از آنجا که بدان رضایت نداشته، واجد مسؤولیت کیفری چه به موجب نوشیدن مواد الکلی و





چه به موجب جرمی که در حین مستی مرتکب شده، نمی‌باشد؛ البته این حکم در صورتی است که مکره در اثر مستی مسلوب‌الاختیار شود. لذا اگر وی نسبت به اعمال ارتكابی در زمان مستی آگاهی داشته و مستی صرفاً موجب اختلال نسبی اراده در ارتكاب جرم و تقویت حسّ تجرّی به ارتكاب جرم شده باشد، به موجب جرم ارتكابی در حین مستی مسؤولیت کیفری دارد؛ چراکه آنچه مسؤولیت کیفری را ساقط می‌کند، مسلوب‌الاختیار شدن به طور کلی است (عدالتخواه، ۱۳۹۳: ۳۱۱). اضطراب و اکراه در خصوص این مسأله واجد حکمی یکسان هستند. البته اگر جرم ارتكابی در زمره جرایم تعزیری باشد، با توجه به اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتكاب جرم، قاضی می‌تواند مجازات مرتکب را با استناد به بند (پ) ماده (۳۸) تقلیل دهد یا تبدیل کند. بنابراین، اگر به کسی مواد سکرآور بخوراند که مست شود و در حین مستی مرتکب جرمی گردد، با توجه به این که شخص مست هیچ گونه نقشی در ارتكاب جرم نداشته است، مسؤولیت کیفری ندارد؛ چراکه چنین فردی صرفاً وسیله ارتكاب جرم محسوب می‌شود و جرم منتسب به خوراننده مسکر از باب سبب اقوی از مباشر می‌باشد.

در صورتی که شارب در تصور خویش قصد نموده باشد که از شرب مایعی غیرمسکر مانند آب، حالت سکران بر وی عارض گردد و اشتباهاً به جای آب، خمر بنوشد و مست و مسلوب‌الاختیار گردد، حتی اگر قصد ارتكاب جرمی نیز داشته باشد، نمی‌توان وی را نه به اتهام جرم شرب خمر و نه به اتهام جرم ارتكابی در زمان مستی مجرم دانست؛ چراکه اولاً نداشتن قصد بر شرب خمر که مسجل است؛ ثانیاً فعل ارتكابی در زمان مستی واجد عنصر روانی نیست؛ هرچند وی پیش از شرب مسکر، قصد ارتكاب جرم هنگام مستی را داشته و در واقع نیز محقق شده است، ولی بدین دلیل که قصد اسکار به موجب شرب آب، قصدی غیرعقلایی است، به گونه‌ای که عقلاً چنین قصدی را قصد صرف ممتنع الوقوع شناخته، قصد به معنای واقعی نمی‌دانند، نمی‌توان چنین قصدی را بر فعل ارتكابی در زمان مستی حمل، وی را به ارتكاب آن مجازات کنیم.

لازم به ذکر است، برخی از فقهای اسلامی معتقدند که مست حتی در صورت اختلال تام اراده و عدم اراده سابق بر ارتكاب جرم در حال مستی، اگر در مستی خود عذر شرعی





نداشته باشد، به جهت قتل ارتكابی قابل قصاص است. «محقق حلی» در شرائع الاسلام می‌گوید: «در ثبوت قصاص بر شخص مست تردید وجود دارد، ولی ثبوت قصاص محتمل‌تر است، چراکه شخص مست در احکام همچون شخص بیدار و آگاه است» (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۲۰۱). «شیخ محمدحسن نجفی» نیز در جواهرالکلام موافقت خود را با قصاص این گونه بیان می‌دارد: «در ثبوت قصاص بر شخص مست اختلاف و تردید وجود دارد، ولی ثبوت قصاص محتمل‌تر است» (نجفی، بی‌تا: ۱۸۶). این نظر در بین فقها دارای طرفداران زیادی می‌باشد، به طوری که برخی همچون «شهید ثانی» (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۶۶) و «آیت‌الله خویی» این نظر را به مشهور فقهای امامیه منسوب دانسته‌اند (خویی، ۱۴۲۲: ۹۷) حتی برخی همچون «فخرالمحققین حلی» در این زمینه ادعای اجماع محصل کرده‌اند (فخرالمحققین حلی، ۱۳۸۷: ۶۰۱). اما در مقابل «شهید ثانی» در مسالک بیان می‌دارد که اظهر عدم قصاص است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۱۶۶). همچنین «امام خمینی» در تحریرالوسیله حکم خود را این گونه می‌فرماید که «الاقرب الاحوط عدم القود» (خمینی، بی‌تا: ۵۲۳) و دلیل نظر خود را در عدم قصد، عدم تکلیف مست و احتیاط در دماء می‌دانند. با لحاظ موضع مشهور فقها در خصوص قتل در حالت مستی می‌توان گفت این دیدگاه با حقوق اسکاتلند دارای قرابت می‌باشد.

۳. مستی ارادی^{۲۵}

منظور از مستی ارادی این است که شخص با اراده خود و با آگاهی از مسکر بودن مواد مورد نظر مبادرت به استعمال آنها نماید. بنابراین، وجود اراده فرد قبل از اختلال یا سلب آن به موجب مسکر حائز اهمیت است، نه وجود اراده هنگام مستی. البته الكل یا دیگر داروهای مستی‌آور همچنین می‌تواند به شیوه‌ای دیگر، عملکرد ذهنی سالم را دچار اختلال گرداند. در این حالت فرد ممکن است با استعمال مواد مذکور صرفاً از یک احساس اعتماد به نفس ارتقا یافته و بازدارندگی کاهش یافته نسبت به جرایم برخوردار گردد، در حالی که





وی نسبت به اعمال خویش و نتایج احتمالی که از رفتارش ناشی می‌شود، آگاه است. اما کمتر در تطابق با قیود اجتماعی و هنجارها که در زمان هوشیاری بدان عمل می‌کرد، ملتزم می‌باشد. این بدین معناست که فرد در داشتن تقصیر در ارتکاب جرم رضایت دارد، ولی تنها دفاعی که می‌تواند از خود داشته باشد این است که وی اگر همچون گذشته در هوشیاری کامل بود، دست به ارتکاب جرم نمی‌زد.

مطابق با اصل، مستی در زمره عوامل رافع مسئولیت کیفری قرار نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، مستی ارادی، هم در حقوق کیفری ایران و هم در حقوق کیفری اسکاگلند، عامل رافع مسئولیت کیفری شناخته نمی‌شود. این مطلب بر قاعده عقلی «الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار» مبتنی است؛ زیرا در مستی ارادی، فرد بدون عذر مشروع، اختیار خود را زایل نموده است (گرگی، ۱۳۷۵: ۳۱۴). با دقت در رویه قضایی اسکاگلند و همچنین قوانین موضوعه، می‌توان گفت عمدتاً زمانی که از مستی و تأثیر آن در مسئولیت کیفری صحبت شده، مستی ارادی مدنظر بوده است. در پرونده برنان دادستان (امسلی) معتقد بود: مستی ارادی فی نفسه یک رکن استمرار در قتل عمدی تلقی می‌گردد. یعنی این رکن به ارکان قتل عمدی اضافه می‌گردد و برنان احتمال هر گونه رفتار خشونت آمیز را می‌داده است، لذا منافع و مصلحت شهروندان اقتضا می‌کند او از بابت رفتار خود مسئول باشد ولو آن که در زمان اعمال خشونت سوءنیت نداشته است بر این اساس به قتل تقصیر آمیز محکوم گردید. (Hons and Aberden.2011.56) در واقع مستی عامل رافع مسئولیت کیفری تلقی نشد ولی متهم چون احتمال ارتکاب جرم را می‌داده است به جای قتل عمدی به قتل تقصیر آمیز محکوم شد.

برای تبیین موضوع در حقوق اسکاگلند به دو مثال توجه کنید. فرض کنید شخص (الف) با استفاده از یک چاقو سبب مرگ (ب) می‌شود. (الف) قصد ضربه زدن چاقو را به دست (ب) داشته، ولی در اثر مستی چاقو به قلب وی اصابت می‌کند؛ مثال دوم این که، شخص (الف) همچون مورد قبلی با استفاده از یک چاقو سبب مرگ (ب) می‌شود. اما در اینجا به دلیل مستی، شخص (الف) به اشتباه گمان می‌کند که آن یک مجسمه چوبی است. به عبارت دیگر، اشتباه در شناسایی جسم روبه رو ناشی از مستی می‌باشد.





در مثال‌های مذکور، شخص (الف) در صورتی که قصد قتل یا ایراد صدمه شدید جسمانی را به (ب) یا هر شخص دیگری، نداشته باشد و چنین خطری را نیز پیش بینی نکرده باشد به اتهام قتل عمدی در اسکاتلند محکوم نمی‌گردد.^۶ چنین استدلالی در محاکم اسکاتلند از تصمیم مجلس اعیان در پرونده ماجوسکی وام گرفته شده است.^۷ در پرونده مزبور ماجوسکی ۲۴ ساعت مشروب مصرف نموده بود و سپس به یک افسر پلیس حمله نموده بود اما دادگاه دفاع مستی را از وی نپذیرفت، به خاطر اینکه احتمال چنین خطری را می‌داده است. اما با این وجود در جرایمی که نیاز به قصد خاص دارد موجب کاهش مسئولیت کیفری می‌گردد. (Elliot and Quinn, 2000:256)

در بعضی اوقات به دنبال مصرف الکل رفتارهای تهاجمی رخ می‌دهد که سبب آسیب‌های مختلف و گاهی کشنده می‌شود (شیرزاد، ۱۳۸۹: ۲۵۸). عمده جرایمی که در اسکاتلند به سبب شرب مشروبات الکلی واقع می‌شوند، جرم تهاجم، جرم نقض صلح و آرامش و جرایم مخالف نظم عمومی می‌باشند. تخمین زده شده که در بریتانیا از هر صد هزار نفر، هزار نفر بزه‌دیده جرایم خشونت‌آمیز ناشی از مصرف مشروبات الکلی قرار می‌گیرند و مصرف الکل عامل اساسی توقیف هزار نفر در روز می‌باشد (کلمن، ۱۳۷۹: ۴۴). واحد راهبردی نخست‌وزیری اسکاتلند در سال ۲۰۰۴، نوشیدن مشروبات الکلی را که زمینه جرایم خشونت‌آمیز را فراهم می‌آورد، نگرانی عمده جامعه امروزی این کشور می‌داند (Hammersley, 2005:64). در اسکاتلند، مستی کیفیتی مشدده برای قتل و جرح غیرعمد ناشی از رانندگی قرار داده شده و همچنین صرف رانندگی در حالت مستی مطابق با بخش‌های چهارم و پنجم قانون ترافیک جاده‌ای مصوب ۱۹۸۸ جرمی مستقل به حساب آمده است (Reducing the drink driving limit in scotland, 2012:11). در بعضی فعالیت‌های اجتماعی که مستلزم دقت و احتیاط زیاد است قانون‌گذار مستی را به عنوان اماره بارز بی‌احتیاطی تلقی و برای مرتکب عمل مجرمانه مجازات شدیدتر در نظر گرفته است. برای نمونه چون در رانندگی وسایل موتوری احتمال خطر و صدمه برای جان و مال



1. R v Kamipeli (1975)
2. DPP v Majewski (1977)



عابرين پياده و رانندگان وسايل نقلیه ديگر وجود دارد، قانونگذار جرايم حاصله از رانندگي در حال مستي را که باعث تضعيف قوه تشخيص و قضاوت مي شود به مجازات شديدتر محکوم مي کند (صانعي، ۱۳۸۲: ۵۲۰). که اين از بابت تقصير پيشين مرتکب مي باشد.

در حقوق کيفري ايران، قانون مجازات اسلامي ۱۳۷۰، حکم نحوه اثبات قتل در زمان مستي را متفاوت از ساير جرايم قرار داده بود؛ بدین گونه که فحواي کلام قانونگذار در ماده (۵۳) (مستي در زمان ارتکاب جرايم به جز قتل) ميئن اين است که اثبات اين که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است، بر عهده مرجع تعقيب قرار دارد، لذا با اثبات مسلوب الارادگي، اصل بر اين قرار دارد که مستي رافع مسؤوليت کيفري است، جز اين که دادستان بتواند منظور متهم به ارتکاب جرم در زمان مستي را ثابت کند. اما در ماده (۲۲۴) همان قانون (مستي در زمان ارتکاب قتل) اصل بر اين است که يا متهم مسلوب الاختيار نبوده و يا اگر هم بوده، قبل از مستي خود را به منظور ارتکاب قتل مست کرده است. بنابراين مي توان گفت در اينجا اين متهم است که بايد ثابت کند که خود را به منظور ارتکاب قتل مست نکرده است. به عبارت ديگر، در خصوص قتل، اصل اين است که مستي رافع مسؤوليت کيفري نيست. در قانون مجازات اسلامي مصوب ۱۳۹۲ در ماده (۳۰۷)، اين تفاوت از بين رفته است لکن اگر ثابت شود که مرتکب قبلاً خود را براي چنين عملي مست کرده و يا علم داشته است که مستي و عدم تعادل رواني وي ولو نوعاً موجب ارتکاب آن جنايت يا نظير آن از جانب او مي شود، جنايت، عمدی محسوب مي گردد. لذا، در کليه جرايم حتی قتل اثبات اين که مرتکب قبلاً خود را براي ارتکاب جرمي خاص يا نظير آن مست کرده، بر عهده مرجع تعقيب قرار گرفته است. اين تغيير خط مشي توسط برخي اساتيد حقوق کيفري با اذعان به اين دليل که «توجيه مناسبی برای تفاوت ياد شده وجود نداشت و فقط به اهميت قتل استناد می شد» (زراعت، ۱۳۹۲: ۲۶۳) مورد تأييد قرار گرفته است. اما در مقام اثبات مستي اين سوال مطرح مي شود: در مواردی که متهم يا وکیل او ادعا می کند مرتکب در حين ارتکاب جرم دچار مستي به عنوان يکی از عوامل رافع مسؤوليت کيفري بوده، اثبات اين ادعا به عهده کیست؟ هر چند موضع قانونگذار وفق





ماده (۱۵۴) ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ واضح می باشد اما جای نقد دارد به نظر می رسد در صورتی که مقام قضایی نسبت به وجود عوامل رافع مسوولیت کیفری شک پیدا می کند، اگر اصلی از اصول عملی یا ظهوری عرفی وجود داشته باشد که بتوان به رد یا قبول ادعای متهم پرداخت، باید بدان تمسک کند و بر اساس آن حکم بدهد که نتیجه آن گاه مجرمیت و گاه تبرئه متهم است و اگر اصل یا ظهوری وجود نداشته باشد که موضوع را منقح کند، حکم به مجرمیت متهم مشکل است و مقام قضایی مکلف است علاوه بر اثبات ارتکاب عمل از ناحیه متهم، فقدان عامل رافع مسوولیت کیفری را نیز به اثبات برساند و در غیر این صورت، حکم به براءت متهم بدهد. زیرا اولاً برای مجازات متهم باید هم وجود مقتضی یعنی تحقق جرم اثبات شود و هم فقدان موانع مجازات و ثانیاً تفسیر به نفع متهم که هدف آن رعایت احتیاط نسبت به جان و مال و آبروی متهم است، با آنچه گفته شد سازگاری دارد (حبیب زاده، ۱۳۸۴: ۵۳). در بخش های بعدی، این موضوع با توجه به قوانین مصوب مورد بررسی قرار می گیرد.

به موجب ماده (۵۳) ق.م.ا ۱۳۷۰ اصل بر عدم مسوولیت بوده و بر اساس ماده (۲۲۴) همان قانون در خصوص قتل در حال مستی استثنائاً اصل بر مسوولیت بوده است. به موجب مواد (۱۵۴) و (۳۰۷) ق.م.ا ۱۳۹۲ (قتل در حال مستی) از این جهت همسو بوده و در موارد ارتکاب جرم در حال مستی، اصل بر مسوولیت است، مگر آن که خلاف آن ثابت شود. به عبارت دیگر، در جرم ناشی از مستی اصل بر این است که مرتکب حین ارتکاب به طور کلی مسلوب الاختیار نبوده است، مگر اینکه وی ثابت نماید در هنگام ارتکاب جرم مسلوب الاختیار بوده است که در این صورت قابل مجازات نیست. بنابراین اثبات ادعای مسلوب الاختیار بودن بر عهده مرتکب است؛ اما اگر اثبات شود که به رغم مسلوب الاختیار بودن، او مخصوصاً خود را مسلوب الاختیار نموده تا مرتکب جرم گردد یا وی علم داشته که با مستی و سلب اختیار، مرتکب جرم می گردد و با وجود این، خود را مست نموده و مرتکب جرم گردد، مجازات می شود و اثبات این امر بر عهده مجنی علیه یا دادستان است. در حالی که در اسکاتلند بر اساس رویه قضایی دادستان علاوه بر این که باید مستی را به اثبات برساند، اثبات ارادی و غیرارادی بودن مستی نیز ابتدائاً بر عهده وی قرار دارد؛ علاوه





بر این، مسلوب‌الاختیار بودن متهم و اثبات آن از سوی مرجع تعقیب یا متهم فاقد اهمیت است. (Simester, 2009: 12)

لازم به ذکر است، هرچند مصرف مسکرات به عنوان یک جرم حدی در فقه اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته، ولی بعضاً صرف ادعای مستی سالب مسئولیت کیفری خواهد بود؛ ماده (۲۶۳) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ صرف ادعای مستی را موجب رفع مسئولیت کیفری فرد به اتهام جرم حدی سب‌النبی می‌داند و صرفاً در صورت صدق اهانت که اثبات آن بر عهده مرجع تعقیب است، به مجازات تعزیری محکوم می‌شود؛ این ماده مقرر می‌دارد: «هرگاه متهم به سب، ادعا نماید که اظهارات وی از روی اکراه، غفلت، سهو یا در حالت مستی یا غضب یا سبق لسان یا بدون توجه به معانی کلمات و یا نقل قول از دیگری بوده است، سب‌النبی محسوب نمی‌شود. تبصره- هرگاه سب در حالت مستی یا غضب یا به نقل از دیگری باشد و صدق اهانت کند موجب تعزیر تا هفتاد و چهار ضربه شلاق است».

از طرف دیگر، گاهی مستی بزه‌دیده می‌تواند خود، عامل تشدید مجازات مجرم گردد. مصداق آن را می‌توان در خصوص جرم زنا یافت؛ در صورتی که زن، مست بوده و قرائن قائل بر عدم رضایت وی به زنا در زمان سلامت عقلی باشد، مرد به مجازات زنای به عنف محکوم می‌گردد. صدر تبصره (۲) ماده (۲۲۴) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۰ بیان می‌کند: «هرگاه کسی با زنی که راضی به زنا با او نباشد در حال بیهوشی، خواب یا مستی زنا کند، رفتار او در حکم زنای به عنف است. ...». با توجه به اطلاق کلام قانون‌گذار در خصوص مستی، زن ممکن است در حین زنا، مسلوب‌الاراده بوده و یا این که اراده داشته ولی متزلزل بوده است؛ در هر دو صورت، مرد محکوم به زنای به عنف می‌گردد.

نکته پایانی این که تمامی مباحث مذکور در این مقاله محدود به جایی است که جرمی توسط شخص مست واقع گردد. اما، اگر شخصی به منظور ارتکاب جرمی یا با علم به تحقق آن مواد سکرآور را مصرف کند ولی جرم مورد نظر واقع نشود، فقط در خصوص شرب مسکر یعنی در محدوده مواد (۲۶۴) تا (۲۶۶) قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ مسئولیت کیفری داشته و قابل مجازات است. شاید بتوان گفت امکان محکومیت وی به شروع به جرم متصور باشد ولی با توجه به این که در ایران، نظریه ادراک عینی شروع به جرم مورد





پذیرش محاکم قرار گرفته، شاید بتوان گفت در اینجا فرد در مرحله تهیه مقدمات است، نه شروع به جرم.

نتیجه گیری

برای تحقق جرایم وجود دو رکن مادی و معنوی در کنار رکن قانونی ضروری است. لذا اگر فردی اراده یا قصد ارتکاب رفتار انجام شده را نداشته، در واقع واجد رکن معنوی شناخته نمی شود. اراده یا قصد عبارت است از میل نفسانی فاعل به یک رفتار خاص. مسکرات به دو صورت در بدنه اراده ایجاد دخالت می کند؛ یا اراده را به کلی سلب کرده یا آن را متزلزل می سازد. سلب اراده، اصولاً مسئولیت کیفری را منتفی می سازد، ولی تزلزل اراده تأثیری در مسئولیت کیفری ندارد. البته در صورت وجود اراده سابق بر مستی مبنی بر ارتکاب رفتار مجرمانه، سلب اراده هنگام مستی نافی مسئولیت کیفری شناخته نمی شود.

قوانین کیفری پس از انقلاب با تأثیرپذیری از منابع فقهی، واجد مقررات سختگیرانه‌ای در خصوص رفع مسئولیت از شارب خمر است؛ به گونه‌ای که مطابق با قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، قتل در حال مستی موجب قصاص دانسته شده و انتفای مسئولیت را مشروط بر اثبات مسلوب‌الارادگی تام متهم حین ارتکاب جرم و همچنین اثبات عدم وجود قصد سابق بر ارتکاب جرم در زمان مستی شناخته که مخالف با اصول کلی حاکم بر اصول و قواعد اثبات مآووقع در دعاوی کیفری است. به عبارت دیگر، اثبات عدم وجود قصد سابق بر ارتکاب جرم در زمان مستی (الامتناع بالاختیار لاینافی الاختیار) در خصوص قتل بر عهده متهم بود که قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ این تخلف صریح از اصول و قواعد اثبات جرایم را تصحیح کرد؛ به گونه‌ای که بین قتل و سایر جرایم در این خصوص تفاوتی وجود ندارد.

در اسکا تلند با توجه به رویه قضایی موجود و به دلیل تعدد چشمگیر مستی ارادی، در حقوق کیفری این کشور عمدتاً زمانی که از مستی و تأثیر آن در مسئولیت کیفری صحبت شده، مستی ارادی مدنظر بوده است. مستی ارادی نیز اصولاً به عنوان عامل رافع مسئولیت





کیفری شناخته نمی‌شود؛ چراکه بنا بر استدلال موجود در پرونده «برنان»، بی‌پروایی فاحش مجرم مانع از رفع مسئولیت کیفری می‌گردد؛ به عبارت دیگر، تصمیم یک شخص به اتخاذ خطر مستی شدید ارادی نشانگر گونه‌ای از تقصیر است. لذا جایی که دلیل بر آن حالت ذهنی قابل سرزنش وجود دارد اگر متهم مرتکب عنصر مادی جرم در آن حالت گردد مستحق محکومیت است. این قاعده در خصوص تمامی جرایم اعمال می‌شود و بر مبنای مصلحت عمومی توجیه می‌گردد. اما مستی غیرارادی، رافع مسئولیت کیفری شناخته می‌شود.

در مقام مقایسه بین نظام‌های کیفری فقه، ایران و اسکاتلند می‌توان اینگونه گفت سیاست جنایی تقنینی ایران نگاه متفاوتی نسبت به مستی ارادی دارد و دایره شمول مسئولیت شخص مست را گسترش داده است ولی با این وجود موضع اسکاتلند موسع تر می‌باشد زیرا علاوه بر مواردی که شخص علم به تحقق جرم در حالت مستی دارد بلکه حتی اگر احتمال دهد در اثر مستی مرتکب جرم خواهد شد نیز مسئول خواهد بود که موضع مشهور فقها در خصوص قتل ناشی از مستی تا اندازه زیادی با حقوق اسکاتلند دارای قرابت است.

منابع

- (۱) ابوزهره، محمد، بی‌تا، الجریمة والعقوبة فی الفقه الإسلامی، دارالفکر العربی، بی‌جا.
- (۲) اردبیلی، محمدعلی، ۱۳۹۲ش، حقوق جزای عمومی، تهران، میزان، ج ۸، ص ۲۰۱.
- (۳) استریپ، ریچارد، ۱۳۸۹ش، ابعاد قانونی سموم، ترجمه مهدی کجانی حصاری، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ج ۱.
- (۴) استفانی، گاستون، برنار بولوک، ژرژ لواسور، ۱۳۷۷ش، حقوق جزای عمومی، ترجمه حسن دادبان، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی، ج ۱.
- (۵) افراسیابی، محمداسماعیل، ۱۳۷۷ش، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات فردوسی، ج ۱، ص ۲.





- ۶) حبیب‌زاده، محمدجعفر، فخرناب، حسین، ۱۳۸۴ش، مقایسه عوامل موجهه جرم و عوامل رافع مسؤولیت کیفری، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره نهم، ش ۳.
- ۷) حلی، محقق، نجم‌الدین جعفرین حسن، ۱۴۰۸ق، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، موسسه اسماعیلیان، ج ۴.
- ۸) خویی، سید ابوالقاسم، ۱۴۲۲ق، مبانی تکمله المنهاج، قم، موسسه احیا آثار امام خویی، ج ۲.
- ۹) رشید یاسمی، هوشنگ، ۱۳۵۴ش، پزشکی قانونی و طب کار؛ مسمومیت‌ها، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ج ۱.
- ۱۰) زارع، سعید، ۱۳۹۲ش، مبانی کیفر در جرایم مربوط به مواد مخدر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه شیراز.
- ۱۱) زراعت، عباس، ۱۳۸۸ش، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، انتشارات ققنوس، ج ۱.
- ۱۲) زراعت، عباس، ۱۳۹۲ش، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، انتشارات ققنوس، ج ۲، ج ۱.
- ۱۳) سیوطی، جلال‌الدین، ۲۰۰۳م، الاشباه والنظائر فی قواعد و فروع فقه الشافعیه، بیروت، المكتبة العصرية.
- ۱۴) شمس ناتری، محمدابراهیم، کلانتری، حمیدرضا، زارع، ابراهیم و ریاضت، زینب، ۱۳۹۳ش، قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ج ۲، ج ۱.
- ۱۵) شهید ثانی، زین‌الدین بن علی عاملی، ۱۴۱۳ق، مسالك الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه، ج ۱۵.
- ۱۶) شیرزاد، جلال، ۱۳۸۹ش، پلیس و پزشکی قانونی، تهران، انتشارات دانشگاه علوم انتظامی، ج ۲.
- ۱۷) صانعی، پرویز، ۱۳۸۲ش، حقوق جزای عمومی، تهران، انتشارات طرح نو، ج ۱.
- ۱۸) طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۶۲ش، نه‌ایه‌الحکمه، قم، مؤسسه نشر اسلامی.





۱۹) عدالتخواه، محمدرضا، ۱۳۹۳ش، مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تهران، انتشارات مجد، چ ۱.

۲۰) عمید، حسن، ۱۳۸۹ش، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات راه رشد، چ ۱.

۲۱) قماش، سعید، ۱۳۹۱ش، بازکاوی عنصر روانی در جرایم عمدی، مندرج در دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، تهران، میزان.

۲۲) کلمن، ورنان، ۱۳۷۹ش، اعتیاد چیست؟ معتاد کیست؟، ترجمه علیرضا میرفخرایی، تهران، نشر اوحدی، چ ۲.

۲۳) گرجی، ابوالقاسم، ۱۳۷۵ش، مقالات حقوقی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ ۱.

۲۴) گلدوزیان، ایرج، ۱۳۸۹ش، محشای قانون مجازات اسلامی، تهران، انتشارات مجد، چ ۱۳.

۲۵) مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، بحارالانوار، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث، چ ۲.

۲۶) معلوف، لوئیس، ۱۹۹۲م، المنجد، بیروت، دارالشروق، چ ۳۲.

۲۷) مقدس اردبیلی، احمد، بی تا، مجمع القاعده والبرهان، قم، چ ۴.

۲۸) موسوی خمینی، سید روح الله، بی تا، تحریرالوسیله، قم، موسسه مطبوعات دارالعلم، چ ۲.

۲۹) میرسعیدی، سیدمنصور، ۱۳۹۰ش، مسؤولیت کیفری، تهران، انتشارات میزان، چ ۳، ج ۱.

۳۰) نجفی، محمدحسن، بی تا، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، لبنان، دار احیاء التراث العربی، چ ۴۳.

۳۱) نجیب حسنی، محمود، ۱۳۹۳ش، نظریه عمومی قصد جنایی، ترجمه سید علی عباس نیای زارع، تهران، نشر میزان، چ ۱.

۳۲) نوربها، رضا، ۱۳۸۳ش، نگاهی به قانون مجازات اسلامی، تهران، چاپ میزان، چ ۱.



- 33) A Scottish Government Consultation, Edinburgh Reducing the Drink Driving Limit in Scotland, (2012).
- 34) Audit Scotland, An Overview of Scotlands Criminal Justice System, Auditor General for Scotland and the Accounts Commission,(2011).
- 35) Elliot, Catherine and Frances Quinn,(2000) Criminal Law, Third Edition.
- 36) Dunbar, James Robertson,(2012), Criminal liability for omissions in Scots law, LL.M(R) thesis, University of Glasgow.
- 37) Griesbach, Dawn,(2009) Managing the needs of drunk and incapable people in scotland: A literature review and needs assessment, Scottish government social research.
- 38) Hammersley, Richard,(2005) "Unthinking Drinking", The Scottish Journal of Criminal Justice Studies, Vol. 11.
- 39) Institute of Alcohol Studies, Crime and Social Impacts of Alcohol Factsheet.(2013)
- 40) Parliament of Victoria(2000), Drugs and Crime Prevention Committee Inquiry into Public Drunkenness, Level 8, Melbourne,2000.
- 41) Stark, Findlay,(2009) Breaking down Brennan, Washington & Lee Law School, Juridical Review, United Kingdom.
- 42) Stark, Findly and Aberden,(2011) Culpabale Carelessness: Recklessness and Negligence in Scots and English Criminal Law, A Thesis presented for the degree of phd in law.
- 43) Simester,A P,(2009) Intoxication is never Defence, Criminal Law Review 3.
- 44) The Law Commission,(2009) Intoxication and Criminal Liability, No. 314, Crown Copyright.

